قانون
۰۴ جامعه
سال چهارم | شماره ۶۹۹ | ۱۶ صفحه
دوشنبه ۱۴ دی ۱۳۹۴
۲۳ ربیع الاول ۱۴۳۷ | ۴ ژانویه ۲۰۱۶
jamee@ghanoondaily.ir

آغاز ثبت نام آرم طرح ترافیک ۹۵

مدیرواحد صدور آرم سازمان ترافیک از آغاز ثبت نام آرم های سالانه ورود به محدوده طرح ترافیک از روز دوشنبه ۱۴ دی ماه خبر داد و گفت: متقاضیان به مدت دو هفته -تا ۲۷ دی ماه- فرصت دارند تا از طریق سایت www.tehran.ir نسبت به ثبت نام در سامانه مذکور اقدام کنند. به گفته قنبرنژاد، مطابق سال های گذشته ثبت نام آرم طرح ترافیک الکترونیکی بوده و از طریق سایت شهرداری تهران صورت می گیرد و تعداد مجوزهای طرح ترافیک در سال ۹۵ نسبت به سال ۹۴ حتی یک فقره نیز افزایش پیدا نخواهد کرد. به گفته وی، امسال نیز همچون سال های گذشته، خانواده های معظم شهدا، جانبازان عزیز، بیماران خاص و عزیزان خبرنگار از تعرفه حمایتی برخوردار خواهند بود. تمامی خودروهای عمومی و امدادی نیز باید مجوز دارند و باید نسبت به اخذ مجوز طرح ترافیک اقدام کنند.

آمادگی اورژانس هسته‌ای در ۲ استان

رئیس مرکز مدیریت حوادث و فوریت های پزشکی کشور با بیان اینکه احتمال وقوع حوادث هسته‌ای در کشور ما بسیار پایین است، در عین حال از وجود دو بیمارستان در این زمینه در استان اصفهان و بوشهر هسته‌ای خبر داد. به گفته امین صابری نیا، اورژانس هسته‌ای که بنا بود با هماهنگی سازمان مدیریت بحران پیش رود و بحث حوادث نامتعارف مانند حوادث شیمیایی، هسته‌ای و بیولوژیک یکی از ابعاد مدیریت بحران است که وزارت بهداشت نیز با توجه به اینکه این نوع حوادث که در خدمات جاری ما وجود ندارند، باید به فکر آنها باشد و تاکنون نیز این گونه بوده است. به گفته وی، وقوع حوادث هسته‌ای در کشور پایین است با این حال باید آماده باشیم. بر این اساس در مانور هسته‌ای تهران نیز همکاری، همفکری و همبستگی میان سازمان های درگیر در بحث حوادث هسته‌ای را بررسی می کردیم.

یادداشت

آموزگاران «بیتوته‌ای»، خطرها و آسیب‌های پیش رو!

محمدرضا نیک نژاد
آموزگار

در یکی، دو هفته گذشته خبرهای غمباری فضای آموزشی کشور را فرا گرفت. نخستین خبر یخ زدگی و درگذشت علی نوروزی «آموزگار» کهگیلویه و بویراحمدی در مسیر بازگشت به خانه بود. و دیگری انتشار گزارشی درباره «علی اسدزاده» آموزگار خرم آبادی که زمستان سه سال پیش در راه بازگشت از روستای محل کارش در منطقه سپیددشت استان لرستان و در مسیر ۴۵ دقیقه‌ای پیاده روی از روستا تالب جاده، گرفتار سرما شد و در اثر ماندن در سرما و نبود امکانات درمانی در روستا پس از چند روز پزشکان وادار به قطع پایش شدند! این آموزگاران «بیتوته‌ای» بوده‌اند. آموزگار بیتوته‌ای به فرهنگیانی گفته می شود که در مناطق دور افتاده با راه های دشوار کوهستانی و بیابانی و پر خطر کار می کنند و مجبورند در طول هفته در روستای محل خدمت بمانند و پس از یک یا دو هفته به خانه برگردند. مدرسه‌های روستاهای دور افتاده یا عشایری معمولا چادر، کانکس و در بهترین حالت ساختمان هایی با امکانات کم، یکی دو اتاقه و چند پایه‌اند. جدای از شرایط آموزشی نامناسب، وجود بخاری های نفتی غیر استاندارد پر ماجرا، در دسترس نبودن امکانات بهداشتی و ایمنی، نامناسب بودن اندازه کلاس و نور و جابه‌جایی هوا و ... تنها بخشی از دشواری های آنهاست. اما آموزگاران بیتوته‌ای به جز آمدوشد و گرفتاری های آموزشی و غیر آموزشی اشاره شده، دشواری های دیگری نیز دارند. در سال های گذشته که کسری بودجه ی سرسام آور نهاد آموزشی، آهسته آهسته به غولی بی شاخ و دم تبدیل شده و بی پولی در گسترده ترین وزارتخانه دولت نه تنها آموزش کیفی استاندارد بلکه وظیفه‌های سنتی آموزش را نیز زمینگیر کرده است. از این رهگذر هر چه مناطق آموزشی از مرکز دورتر می شوند چون خانواده ها نابرخوردارتر و توان مالی پرداخت کمک‌های دلبخواهانه! مردمی کمتر می شود کسر بودجه بیشتر خود را نشان می دهد. از این رو پرداخت نشدن یا پرداخت قطره چکانی سرانه دانش آموزی - پولی که آموزش و پرورش هر سال باید به ازای هر دانش آموز به مدرسه ها پرداخت نماید تا برای هزینه‌های جاری مدرسه صرف شود - بیش از هر جای دیگری مدرسه‌های روستایی و عشایری و زندگی آموزگاران آنها را زیر فشار می برد و کیفیت آن را کاهش می دهد. شنیده ها حکایت از این دارد که بسیاری از آموزگاران این مدرسه ها هزینه تهیه نفت و بخاری و خوراک و ... خود و حتی مدرسه را تامین می کنند و آموزش و پرورش توان فراهم کردن کمترین امکانات شخصی و آموزشی برای این آموزگاران را ندارد. برخی از این آموزگاران در جاهایی امکان داشتن سرویس آمد و شد را ندارند و اگر هم داشته باشند آموزش و پرورش توان فراهم کردن چنین امکانی را برای آنها ندارد و از این رو بدبختانه گاه گداری شاهد خبرهای تلخی برای این همکاران هستیم. اما چند نکته. گرچه در دو سال گذشته آموزش و پرورش از فرهنگیانی که در راه آموزش یا جان داده‌اند یا آسیب دیده‌اند، قدردانی کرده که به جای خودش ستودنی و ارزشمند است اما دیده می شود که در انتشار خبرهایی از این دست دلخور شده و در برخی موارد در منتشر کننده فشار وارد می کند! باید دانست که تا دردها هویدا نشوند نمی توان درمانی برای آنها یافت. بی گمان امروز ساختار آموزشی، دردهای فراوانی دارد که بسیاری از آنها تاریخی بوده و از میان برداشتنش نیاز به یک همکاری ملی دارد. پس دست اندرکاران آموزشی از انتشار چنین خبرهایی نهراسند. این خبرها می توانند زمینه‌ای برای حل گام به گام گرفتاری ها فراهم کنند. دوم آن که آموزش و پرورش باید از همکاران آسیب دیده حمایت های مادی و معنوی داشته باشد. تجربه نشان می دهد که سخت گیری اداره های آموزش و پرورش شهرستان ها و البته بی خبری خود فرهنگیان از قانون، زمینه آسیب به زندگی این فرهنگیان را فراهم می کند و خود و خانواده‌های آنان را دچار گرفتاری سختی می نمایند. در پایان امیدواریم همچنان که قائم مقام نظام پرستاری کشور که با در گذشت غمبار پرستار نیشابوری به خوبی واکنش نشان داده و پیشنهاد داد که پرستاران یک هفته با روبان مشکی سر کار حاضر شوند، فرادستان آموزشی ما نیز با چنین خبرهای ناگواری واکنش درخوری نشان داده و زمینه آرامش خانواده ها و دیگر همکاران را فراهم کرده و احساس رضایت را در آنها پدید آورند. گرچه امیدواریم که دیگر شاهد چنین آسیب هایی نباشیم.

عددخبر

۸۰ هزار تن آلایندگی سالانه به هوای پایتخت وارد می شود. به گفته محمدباقر قالیباف شهردار تهران، ۸۲ درصد منابع آلایندگی هوای تهران وسایل متحرک از جمله موتور، خودرو و ... است و ۱۸ درصد منبع آلایندگی مسکونی است.

۴۰ میلیون نفر در کشور از مزایای بیمه تامین اجتماعی برخوردارند. به گفته عبدالرحمان تاج الدین معاون حقوقی و امور مجلس سازمان تامین اجتماعی، هم اکنون با احتساب افراد تحت تکفل بیمه‌شدگان اصلی و مستمری بگیران از مزایای بیمه برخوردارند.

۱۰ میلیون تومان هزینه سالانه مبتلایان به ایدز است. به گفته عباس صداقت رئیس اداره ایدز وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دولت به طور متوسط برای درمان و مراقبت از هر یک از این بیماران سالانه ۱۰ میلیون تومان هزینه می کند.

نگاهی به مشکلات معلمان روستایی

بیتوته‌ای‌ها در جاده‌های صعب‌العبور نظام آموزشی

گلاره کلانتری

همه می دانیم، هر گاه افرادی بخواهند در کار خود به عنوان عنصری حرفه‌ای مطرح شوند، باید شرایط سخت آن را بپذیرند. حرفه معلمی نیز از این قاعده مستثنا نیست، نیروهایی که به عنوان مدرس در آموزش و پرورش مشغول اند. در سیستم نظام آموزشی دارای چند دسته از معلمان هستیم که برخی از آنان به دلیل رسمی بودن از همان بدو ورود به آموزش و پرورش مشغول به تدریس می شوند. در عین حال برخی معلمانی حق التدریس هستند و در برخی رشته‌ها از جانب آموزش و پرورش جذب می شوند و پس از مدتی اگر آموزش و پرورش به نیرو احتیاج داشت به صورت رسمی استخدام می شوند. با این حال، فرآیند استخدام حق التدریسی ها به صورت رسمی در بیشتر موارد حدود ۶ سال به طول می انجامد و در این مدت، بیشتر این معلمان از شرایط خود ناراضی اند. دسته دیگر از معلمان وجود دارند که به مراتب دارای شرایط شغلی سخت و دردناک تر نسبت به دو دسته‌ای که نام برده شد دارند، چرا که این معلمان به عنوان معلمان آزاد شناخته شده اند که حکم ابلاغی برای آنها صادر نمی شود، از خدمات بیمه‌ای برخوردار نیستند و تنها به صورت شفاهی با آنها توافق می شود. گفته می شود به کار گیری این نوع از معلمان در سه سال اخیر مرسوم شده اما اکنون جذب آنها متوقف شده است. از نیروی کار معلمان آزاد در مناطق محروم و روستایی استفاده می شود که به دلیل صعب‌العبور بودن نیروهای نوع دیگر حاضر به خدمت در آن مناطق نیستند.

● معلمان چه مشکلاتی دارند؟

مشکل مشترکی که میان معلمان وجود دارد مسکن است؛ معلمانی که مبلغ زیادی از حقوق خود را صرف کرایه خانه می کنند. بسیاری از معلمان پس از سال ها خدمت در آموزش و پرورش، همچنان نتوانسته‌اند مسکن شخصی داشته باشند و مقدار بسیاری از حقوق خود را هزینه کرایه خانه می کنند. برخی از معلمان مشکلات خود را رفت و آمد به مناطقی عنوان می کنند که با وجود صعب‌العبور بودن، هیچ مزایایی برای خدمت در آن مناطق به آنها ارائه نمی شود. وام، بیمه، پاداش و مزایا از مواردی است که این معلمان از آنها ابراز رضایت نمی کنند و آن را در مقایسه با مزایای سایر مشاغل نامناسب و نابرابر می دانند. معلمان مناطق محروم هیچ پاداشی دریافت نمی کنند این در حالی است که در روزهای سخت پاییز و زمستان باید مسافت طولانی را از محل سکونت خود طی کرده تا به محل خدمت خود برسند. اما در مسیر ممکن است با مشکلات زیادی روبرو شوند که به دلیل تنها بودن، به موقع نرسیدن کمک های خدمات رسانی دیگر نتوانند به خانه گرم خود بازگردند. مسئله اصلی اینجاست که در تمام این سال ها دولت های مختلف نتوانسته‌اند برای کسب رضایت این قشر زحمتکش در مناطق صعب‌العبور، که تعلیم و تربیت کودکان مانیز در دست آنهاست، به نتایج قابل قبولی دست پیدا کنند. بنابراین مشکلات معیشتی معلمان ربطی به امروز و دیروز ندارد بلکه همانند کلافی است که در تمام این سال ها سردرگم بوده و هیچ کسی چاره‌ای برای آن پیدا نکرده است. بدون شک مواردی که ذکر شد، تمام مشکلات معلمان را پوشش نمی دهد اما مسئله‌ای که بسیار حائز اهمیت است اینکه اگر مجموع این مشکلات و حل نشود، نوعی بی انگیزگی به دلیل فشارهای معیشتی و سختی کار در معلمان ایجاد شده که به مراتب مشکلاتی اساسی و ریشه‌ای برای نظام آموزشی کشور به وجود خواهد آورد.

● حوادث تلخی که برای برخی از معلمان اتفاق افتاده است

«روز چهارشنبه ۲۵ آذر معلم استان کهگیلویه و بویراحمد در مسیر بازگشت از روستای محل خدمت خود به خانه‌اش در سرمای شدید، جان سپرد. علی بخش نوروزی معلم مدرسه شهید سروش نژاد روستای طسوج از توابع استان کهگیلویه و بویراحمد دارای ۲۵ سال سابقه در مقطع ابتدایی بود. آقای نوروزی عصر چهارشنبه ۲۵ آذر امسال مانند هر هفته از روستا به سمت خانه حرکت کرد اما این هفته با هفته‌های گذشته تفاوت داشت. فاصله روستای طسوج بیش از ۶۰ کیلومتر از چرام مرکز شهرستان است و حدود ۲۰ کیلومتر از جاده، خاکی و برفگیر است. عصر چهارشنبه وقتی آقامعلم به همراه ۲ نفر دیگر راهی چرام بودند، خودروی آنها در مسیر جاده خاکی و سرمای شدید، متوقف شد. نیروهای کمکی به موقع نمی رسند و آقامعلم و یکی از سرنشینان خودرو بر اثر سرما جان می بازند. این در حالی است که سرنشین دیگر خودرو در بیمارستان دهدشت بستری است.» البته ماجرا فقط به قصه دردناک معلم کهگیلویه و بویراحمد ختم نمی شود چرا که «علی اسدزاده» ۹ سال در مناطق سرد، صعب‌العبور و کوهستانی لرستان به دانش آموزان و کودکان عشایر درس می داد. سرمای شدید مناطقی که معلم گاه ساعت ها پای پیاده در آنجا راه می رفت، به لخته شدن خون در پای او و قطع پای چپش تا بالای زانو منجر می شود.» از این حکایت ها در اقصی نقاط کشور وجود دارد که در برخی موارد ممکن است حتی رسانه‌ای نشود. به همین منظور «قانون» با «محمد روزبهانی» کارشناس آموزش در زمینه اینکه آیا سازمان های مختلف برای خدمات رسانی به معلمان بیتوته فعالیت های لازم را دارد گفت و گو کرده که به شرح زیر است: کارشناس آموزشی درباره اینکه معلمانی که دچار حادثه می شوند آیا قانونی در کشور وجود دارد که بتواند حقوق آنها را پیگیری کند، می گوید: «آموزش و پرورش دارای بخش حقوقی است و زمانی که معلم دچار حادثه ای شود به این بخش مراجعه می کند و مشاورهایی که در این مراکز هستند وکالت آنها را برعهده می گیرند تا بتوانند حقوق از دست رفته خود را بگیرند.» به گفته محمد روزبهانی، در زمینه معلمان حادثه دیده نکته ای وجود دارد که باید به آن توجه کرد که در برخی از دولت ها به این معلم ها توجه نمی شود و این معلم ها باید برای گرفتن حقوق خود روزها و بعضا سال ها دوندگی کنند تا بتوانند حقوق از دست رفته خود را به دلیل حادثه دریافت کنند. اما در دولت تدبیر و امید معلمانی که به دلیل سختی مسیر اتفاقات ناخوشایندی برایشان می افتد خود یا خانواده هایشان به آسانی می توانند حقوق از کار افتادگی و بازنشستگی را طلب کنند.» به گفته وی، «در کشور خلاقانونی برای معلمان احساس نمی شود و اکنون این قانون در حال اجرا شدن است. در بعضی موارد معلم ممکن است حق بیمه خود را بعد از حادثه نتواند دریافت کند که دیگر در اینجا انتقاد به سازمان تامین اجتماعی است. حتی معلمانی که در مناطق صعب‌العبور در حال خدمت رسانی هستند باید از وزارت راه و شهرسازی درخواست کرد که این راه های صعب‌العبور را هموار کنند». بنابراین بیش از پیش به امکانات زیر ساختی در کشور توسط مسئولان توجه شود. اما آموزش و پرورش می تواند برای معلمانی که در این مناطق ممکن است حادثه آفرین باشد از لحاظ مادی و معنوی آنها را مورد حمایت های ویژه قرار دهد.»

محمد روزبهانی: برخی از معلمان مشکلات خود را رفت و آمد به مناطقی عنوان می کنند که با وجود صعب‌العبور بودن، هیچ مزایایی برای خدمت در آن مناطق به آنها ارائه نمی شود. وام، بیمه، پاداش و مزایا از مواردی است که این معلمان از آنها ابراز رضایت نمی کنند و آن را در مقایسه با مزایای سایر مشاغل نامناسب و نابرابر می دانند

● معلم با مشکلات معیشتی نمی تواند تأثیرگذار باشد

عوامل مؤثر بر منش و روحیه دانش آموزان، روحیه معلم، رفتار، بیان، سعه صدر و انگیزه مدرسه است. در محیط مدرسه و کلاس درس روحیه معلم، رفتار معلم، بیان معلم، سعه صدر معلم و... تأثیر مستقیم بر رفتار و روحیه دانش آموزان دارد. اگر معلم دارای روحیه ای خوب و شاد باشد دانش آموزان نیز دارای روحیه ای شاد و خوب خواهند بود و اگر معلم با انگیزه بالا وارد کلاس شود و تدریس را با انگیزه شروع نماید سبب افزایش انگیزه مطالعه و جست وجو و یادگیری در دانش آموزان خواهد شد. لازمه برخورد مناسب و توام با متانت دانش آموزان با مشکلات آموزشی و پرورشی خود، داشتن معلمانی صبور و با سعه صدر بالاست. اما اگر معلم دارای مشکل معیشتی باشد چگونه قادر است روحیه ای شاد داشته باشد، چگونه باید صبور باشد و با کدام انگیزه بالا وارد کلاس شود. مسئولان با داشتن برنامه ریزی ای که پشتوانه مطالعه باشد می توانند مشکلاتی که در زمینه معیشتی وجود دارد را حل کنند. چگونه می توان انتظار داشت معلمی که با خستگی وارد کلاس می شود روحیه ای شاد داشته باشد و با شور و نشاط و پر انرژی کلاس را اداره کند. در پایان می توان نتیجه گرفت که اگر معلمان عملکرد مناسبی در کلاس نداشته باشند می تواند منجر به افت تحصیلی و در درازمدت ترک تحصیل تعدادی از دانش آموزان شود و دوری از کلاس و درس می تواند سبب افزایش آمار ناهنجاری ها و آسیب های اجتماعی می شود. از آنجا که پیشگیری هموار آسان تر و ارزان تر از درمان است، شایسته است هزینه هایی به وزارت آموزش و پرورش تزریق شود تا باعث ارتقای سطح معیشت و رفاه معلمان شود. ارتقای سطح معیشت و رفاه معلمان به طور سیستماتیک سبب اعتلای جایگاه و منزلت معلمان خواهد شد.

درخواست بی خانمان شهر تهران از مردم:

لباس‌های دیوار مهربانی را قبل از اهدا بشویید!

گروه جامعه - «نیازنداری بذار، نیازداری بردار». این جمله چند وقتی است که روی برخی دیوارهای شهرهای کشورمان نقش بسته تا دیوار مهربانی در همه جای آن میزبان لباس ها و کفش های اهدایی خیرین شود و مردم بی بضاعت در فصل سرما از این کفش ها و لباس های گرم بی نصیب نمانند. دیوار مهربانی یکی از خلاقیت های نوآورانه و انسان دوستانه مردم ایران در چند سال اخیر است. البته گسترش این فرهنگ در نقاط مختلف کشور، نیاز به زمان بیشتری دارد. این حس همدوستی از مشهد شروع شد و خیلی سریع در بیشتر شهرهای کشورمان از جمله پایتخت گسترش یافته است. دیوارهایی که در تهران وجود دارد، بر خلاف دیوارهای مهربانی دیگر شهرها، چوب لباسی ندارد و مردم لباس های خود را روی میله‌های کنار آن قرار داده‌اند. روبه روی یکی از دیوار مهربانی در شهر تهران ایستاده بودم که در این زمینه نظرات برخی از شهروندان را جویا شوم که در ادامه این گفت و گوی «قانون» را می خوانید:

سیروس دانشجو، دانش آموخته علوم سیاسی در زمینه دیوار مهربانی می گوید: «فساد مالی در دولت قبل باعث شد که برخی از مردم نیازمند بیشتر از گذشته نیازمندتر شوند. وجود این دیوار اقدام انسان دوستانه‌ای است اما برای ایرانی که به عنوان کشوری ثروتمند شناخته شده است، شایسته نیست نیازمندان از روی دیوار لباس بردارند.» هنگامی که با سیروس صحبت می کردم، چشمم به پیرمردی سالخورده افتاد که روبه روی دیوار مهربانی ایستاده و مکثی کرده و کاپشنی را از روی دیوار برداشت. بلافاصله از او سوال کردم به عنوان فردی که از این دیوار مهربانی استفاده می کنید درخواست شما از مردم چیست، پیرمرد پاسخ داد: «از مردم درخواست دارم قبل از اینکه لباس هایی را که دیگر نیازی به آن ها ندارند، شسته تا از لحاظ بهداشتی قابل استفاده باشد. همچنین به عنوان کشوری که روی گنج نشسته‌ایم نباید چشممان به دست دیگران باشد!. اما حس همدردی مردم در روزهای فصل سرد سال قابل تقدیر است و از آن ها ممنون هستم که هنوز بی خانمان ها در کشور را یاد نرفته‌اند.» سارا در زمینه اینکه چطور می توان این حرکت های خودجوش را در بطن جامعه نهادینه کرد، می گوید: «دیوار مهربانی حرکت بسیار قشنگی است که در میان مردم شکل گرفته است. امیدوارم برای تداوم این اقدامات در کشور مسئولان حمایت های لازم را داشته و به صورت سمبلیک لباس هایی را روی دیوارها آویزان کنند. همچنین می توانند امکانات بیشتری را در اختیار بی خانمان ها قرار دهند. به عنوان مثال در برخی از شهرهای خیرین یخچال هایی را در کنار دیوار مهربانی قرار داده‌اند که می توانند با مواد غذایی مناسب این یخچال ها را پر کنند.»

● سازمان دهنده این حرکت اجتماعی ناشناخته است

جالب اینجاست که این موج مهربانی، نه تنها در داخل که در خارج از کشور هم با واکنش های مثبتی مواجه شده است و همین جمله ساده حالا خیلی معروف شده است. دویچه وله فارسی در این باره نوشته که خبر به رسانه های بین المللی رسید. «روزنامه دیلی تلگراف» و دیگر نشریات گزارش هایی از دیوار مهربانی با آب و تاب منتشر کرده‌اند. روزنامه انگلیسی دیلی تلگراف هم این گونه درباره دیوار مهربانی می نویسد: «ایرانی ها دیوارهای مهربانی برپا کرده‌اند. مردم (با این ابتکار) به راحتی می توانند کت و لباس های گرم خود را به افراد بی خانمان و بی بضاعت در حالی که ایران دارای زمستان های بسیار سردی است، اهدا کنند. مفهوم بسیار ساده است، چند آویز و چوب لباسی روی یک دیوار رنگ شده که در آن نوشته شده است: «اگر نیازنداری بگذار و اگر نیازداری آن را بردار» این روزنامه با بیان اینکه سازمان دهنده این حرکت اجتماعی همچنان ناشناخته باقی مانده است، افزود: «گفته می شود که این ابتکار نخست در شهر مشهد در شمال شرق ایران شروع شد و پس از آن در شهرهای دیگر این کشور گسترش یافت. این حرکت در دیگر شهرها پس از پخش تصاویر آن در شبکه‌های اجتماعی که از کاربران شان می خواستند اجازه ندهند که مردم بی خانمان از سرما در این زمستان بلرزند، گسترش یافت.»

نگاه

تهران هم کوه دارد...

شهر تهران پس از درگیری دو هفته‌ای با هوای ناسالم سرانجام امروز هوای پاک را تجربه کرد. پس از مدت‌ها کوه‌های تهران را به فراموشی داده بود، حالا این کوه‌ها، با پاک شدن هوا که شاید چند وقتی هم بیشتر دوام نیاورد به چشم آمده‌اند.